

شماره پانزدهم سال اول
 صاحب امتیاز: مدیر و سردبیر
هلال ناصری
 عنوان تلگراف
 (تبریز: ستاره آذربایجان)

اناره در رد یا قبول و اصلاح مقالات
 وارده آزاد است

عجالتاً هفته یکبار نشر میشود



جای اداره: خیابان توپخانه

این روزنامه عضو جبهه آزادی است
وجه آبرونمان
 سالانه ۷۵ ریال
 ششماهه ۴۰ ریال
 تکت شماره ۱۵۰۰ ریال

وجه آبرونمان پس از دو شماره دریافت خواهد شد

شب جشن پیروزی در سالن شهرداری

هیئت بازرگانان تبریز در دهم خردادماه مجلس جشن پیروزی و شب نشینی مجلی بر پا و با ابراز این احساسات مخصوصاً ما را به آیتروشنی امیدوار ساختند.

چون ماهیسه آرزو مندیم چنانکه در دوره اول مشروطیت تجار تبریز یکی از پیشقدمان وفداکاران راه آزادی بودند، در این دوره هم با تشکیل اتحادیه تجار و معرفی نمایندگان خود بجهت آزادی در راه آزادی ملت جانبازی کرده و مانند سایر مهدی آقا کوزه کنانی مرحوم و سایر تجار آزادی طلب دوره اول مشروطیت نام نیکی در تاریخ آزادی ایران از خود بیادگار بگذارند.

گر بماند نام نیک از آدمی به کزو ماند سرای زرنگار
 ما از آفتابان حاجی میرزا علی اکبر آقا صدقیانی و آقای حاجی محمد آقا نجفوانی - آقای کلکنچی و سایرین بالخاصه از آقای بوداغبان که در تمام اجتماعات ملی حضور داشته و از هیچگونه ابراز علاقه خود داری نفرموده اند انتظار داریم که سایرین را هم دور خود جمع همیشه در اجتماعات و درخواستهای ملت از پیشقدمان راه آزادی باشند.

روزنامه ما چنانکه بسایر طبقات ملت علاقه مند میباشد به طبقه تجار هم علاقه مند است. چون اینرا میدانند که خدمت تجار به ملت و مملکت کمتر از سایر طبقات نبوده، استخراج معادن و آبادی مملکت و تأمین رفاهیت محتاجین بسته به همت ایشانست.

اینکه گاهی بابای امیر با بعضی از تجار سر و کله زده و نقاش کاریکاتور ما را باقیافه آنها آشنا میکند پولبداران و مستکبرینی هستند سکه همیشه سر بار ملت شده نه اجتماعات و انتشارات ملی و نه محتاجین و بیچارگان، خیری از وجود ایشان نمیرسد.

خوبست آنها هم خود را اصلاح نمایند و ما همچنانکه طرفدار تجار روشن

ستاره سرخ

در شماره ۷۲ روزنامه وظیفه که ناشر افکار آقا سید ضیاءالدین است لطفاً اعلامی بنام ستاره آذربایجان نشر فرموده بودند؛ ما از آقای حجازی مدیر روزنامه فوق الذکر برای این قسمت که روزنامه ما را پر و پاکاند کرده اند تشکر میکنیم.

از لحن مقال آقا معلوم است که زبان مادری بودن روزنامه ما و مخصوصاً ستاره سرخ اسباب ترس و تعجب آقا گردیده است.

مزمع اینچنان است که ما هم بهمان قرار از تعجب آقا در حیرتیم که آقا چرا از هر دو قسمت اینقدر میترسند؟! در قسمت اول ما صحبت اندویم که چرا باید آقای مدیر از سرخ بودن ستاره بترسند! مگر همان ستاره سرخ نیست که آتش بهستی فاشیت زده و ملل دنیا را از این نهنگم قدرانه نجات داد!

مگر بیروان همین ستاره سرخ نیستند که برچم فتح و ظفر را در لانه فاشیستی زده و بیرق ظلم و ستم را سرنگون کردند؟! مگر همان ستاره سرخ نیست که طرفداران مظلومان را در زیر برچم خود جمع و کاخ ظلم تزاری را ویران کرده و بک حکومت پشامعنی ملی تشکیل داد که امروز آزادی بخش تمام ملل ضعیف و اسیر دنیا شده و نام فاشیت را از روی زمین ریشه کن میکند!

در این صورت شما عوض اینکه به روزنامه ملی ستاره آذربایجان تاخت کنید! فاشیت بودن خودتان را اعلام فرموده اید! چون ایرانی حقیقی و وطن دوست و ملت پرست و ترقی خواه و بقیه در صفحه ۲

فکر بوده و با وجود ایشانت افتخار میکنیم، صد بار شدیدتر با آن تاجر های گوشه نشین که مانند عنکبوتهای سیاه هر دقیقه برای مکیدن خون ملت در کین نشسته اند خند بوده و تا آخرت نفس هم با آنها مبارزه و با تشریح اعمال تنگین شان آنها را بجامه معرفی خواهیم کرد.

طهراندا غارت

هر کیم استیر بیابین که بو بازیق ملتدن آلبانان پوللار طهراندان ایجه پوج اولور آذیر روزنامه سین ۲۸۴ نجی توره سینه باخسین ۱۱ اورادا طهراندان ملت پولیندان غارت اولان پوللارون مقدارینا و رقیبه باخاندان هر وجدانلی بیر ملت پرست مجبوردی هرای چکوب و ملنه دبسین که ای بازیق ملت داشی بوندان صورا اوز بولوزی دولت غریبه سی آدینا ویرسوت و دولت هایداتین بیخانلارا دیبون که اول طهرسان غارتگرلریبون حسابینا باخون و بیسزه اطمینات ویرون که بیزیم هر زادبیز اوغربلارون ایینه دکل اولدان صورا نه ایستیرسیر ویرمک.

و الا اقتصاد اداره سی طهران روزنامه لریتون یازدیقینا گوره شکرور بانسانین دورت قرابت اوت شامره آلا و ملنه آلتی تومانا ویرم و ملت یو تسبیه صوبانندان صورا بازیق قاری آرواغبین قرائین - حبالین - کارگرن - یتیم لرین اورمک قانیله اله کتیردیکاری اون شاهی بیر قرانلارین دا یو شکل لرله ال لریندن آلیب و بیردن بیرم ۱۶۰۰ ملیون فقط اقتصاد اداره سینده اورانون اوغورولاری غارت ایدهلر یونا ایجه ملت اطمینان ایله سین!

البته اوغورلوق بو قیر اولماز! ایله یونا غارت دیرلر ۰ بیر اداره کی اورادا آلتی تایی انگلیس پارچاسیندان ۵ تایی بریندن یوخ اولوب و بیر تایی ساتیلا و ۶۰ ملیوت ریال وزارت راه دا زهرمار اولوسا - و اوج ملیوت متر دولتین بری بیردن آلتی و تایلیمه - وابگرمی ملیون ریال وزارت چنگمه خسارت بری آچیلما - و بیر نفر بولارون حسابین چکن تایلیمه بیر یله دولته مالیات ویرمک پولین چوله

آتماخ دیکه دیر ۰ بیر مملکت ده که ملندن بو فلاکتیله آلبانان پوللار بیله آرادان کیده و هیچ بیر اوغورلور غارتگرین حسابینا بپشن اولیمه بو ملت و بومملکت هارایا کتبدیکین بیات اولسا بیزیمه خبردار ایله سین!!

تهمت لامذهبی در جماهیر شوروی

هم هافند سایر تهمتها نقش بر آب شد

از بازیهای عاملین دوره حکومت دیکتاتوری رضاخان، یکی هم تبلیغات عکس العمل نشانی دادند. حقایق در جماهیر شوروی بود که مسئله رواج بی دینانی در رأس تمام آنها واقع میشد. اکثر تهمت های مرتجعین با ورود قشون سرخ بایران و رفتار آنها در این مدت چندسال از بین رفته و معلوم شد که تمام تبلیغات دیکتاتور ها و مرتجعین فقط چشم بندی و برای آن بوده که ملت نیاید جز همین حیات تنگین و وضیعت طاقت فرسای ایران از چیز های دیگر مطلع باشند پس از آنکه دست آقایان از اینطرف باز شد و مردم فهمیدند که اگر کسی بغوامدبداند آزادی و حقیقت زندگی و لذایذ روحانی یعنی چه؟ اول باید اوضاع حقیقی جماهیر شوروی و طرز آمیزش آنها را خواه با ما و خواه باهمدیگر مطالعه کرده و آنگاه بتواند مراتب بالا را به طور کامل تعبیر بکند.

چون در جماهیر شوروی آزادی هرملت که سهل است آزادی هرخانواده و هر فردی هم محترم بوده و هرکس با تمام آزادی به ادامه زندگی بیخیال و انجام وظایف اجتماعی مشغول است. زور و ظلم و دیکتاتوری - خود فروشی - تحمیل بار زندگی بهمدیگر - خلاصه هزاران بدبختی ها که گریبانگیر ماست از آنجا رخت بر بسته و در جای اینها رفاه - آسایش - عشق و هوس به زندگی - محبت بنام خلق - آبادی - عدالت علم و ادب بهره مندی همه کس از تمام دستهای موجود - ترفیع مقام اشخاص نسبت به ابرازیافت و خدمت بخلق ... خلاصه تمام خوشبختی ها جایگیر آن بدبختیها شده است.

مرتجعین و چشم بندان سید ضیاء که از همه جا دستشان کوتاه شده بود نسبت مذهب را در دستشان عنوان کرده بودند که در جماهیر شوروی مذهب نیست و مردم دشمن دین هستند. غافل از اینکه جماهیر شوروی بهتر میدانند که اگر بتوانند آثاری از اول اسلام را در میان مسلمین پیدا کنند در این صورت آسانی خواهد توانست ببرد بهممانند که مسلک آنها در فعل تفاوتی با اول اسلام ندارد.

آنگاه است که باید ششیر علی بیاید و این مرتجعین و متدینین دروغی ما را که بنام اسلام خود نمایی و دین را آلت سیاست خود قرار داده اند از بین ببرد.

اینکه که چنگ خاتمه یافته و نوبت تجدید

مودت بین مسلمین قفقاز و ایران در رسیده؛ با ورود جناب آقای شیخ الاسلام علیزاده و دو نفر از اجله علای قفقاز دروغ شدن آخرین تهمت مرتجعین هم برای مسلمین ایران واضح گردید. مخصوصاً در روزیکه آقای شیخ الاسلام در مسجد خواجه علی اسفر تیریز در حقیقت اسلام و اتحاد مسلمین و توحید و سایر مباحث دینی و اجتماعی بیانات می فرمودند، مردم میگفتند: گو آن مرتجعین و دشمنان دین و طرفداران عقاید فاشیستی و خود مختاری که دین اسلام را آلت ملامه و سیاست خود قرار داده اند؛ این بیانات را شنیده و افلا خجالت بکشند.

بقیه از صفحه ۱

ستاره سرخ

استقلال طلب ابدأ ستاره سرخ دشمن نیست؛ بلکه دشمن ستاره سرخ همان فاشیست ها بودند که در اروپا در زیر قوای طرفداران ستاره سرخ یعنی قشون سبزین لگدمال شدند.

از حساسه سرالی شما چنان معلوم است که حضرت مدیر محترم و رفقایان هنوز از عقاید فاشیستی خود عدول نکرده اید؛ عیب ندارد؛ هیچ دست بچاهه نشوید؛ روزی هم میرسد که توده ملت ایران فاشیست های خود را بیای محاکم کشیده و بجزایشان میرسانند؛ ما بشما قول میدهیم که در آن موقع هیچوقت حضرت مستطابالورا از رفقایان سکنار نخواهند گرفت!

فاما آن سرخی ستاره ما قطره از خون دل ملت آذربایجان است که در وسط ستاره افتاده و موج آن چشم شما و رفقایان را خیره میکند؛ آن لکه سرخ هم در نتیجه ظلم های روز افزون حال رضاخان و رفقای فاشیست و دیکتاتور شما تولید شده که هر روز در دل آذربایجان ستم کشیده بزرگتر شده و امروز موج آن پشت شمارا بارزه در میآورد؛ حتی از قطرات اشعه آن خون که امروز بطرف تمام ایران نور انشایی میکند شما و رفقایان در نظر خود روزی را مجسم میکنید که آن قطرات تبدیل بسیل عظیمی شده و تمام ایران را فرا گرفته و ارتجاع و فاشیست و دیکتاتور ها را در میان عنات سیل خون غرق خواهد کرد!

باش تا صبح نکینت بدمد

کابن هنوز از تابج سحر است

روزنامه خورشید ایران هم

فیزی از ما بپزد

در شماره مسلسل ۱۵۹ خورشید ایران

لوحه روزنامه ما را چاپ کرده بودند. واقفان غیبه خوب و نظیف و معلوم بود که با خارج زیادی تپیه شده؛ ولی چون مخارجش از کینه قنوت ارباب است هر قدر هم باشد اهمیتی ندارد.

ما سرخی آن شماره را بفال نیک گرفتیم؛ چون از برکت کلیشه ما خورشید ایران وصلب شکسته علامت فاشیزم و سه مرد بزرگ دنیا همه سراپا سرخ شده بودند، لیکن در این میان کلیشه ما بسیار خیره کننده بود، خصوصاً ستاره اش که چشم آقای بازارکار را چنان خیره کرده که داد و بیداد و هوو جنجال را از حد گذرانده اند. چون خود را در آینه روزنامه ما بسیار رنگین و جنایت کار دیده اند اینست که سر لوحه ما را که در هر شماره برنگی منتشر میشود این بار ممدک تاریخی شده و بقول خودش خیانت استند تاریخی؛ ممدک مهم قرار داده اند.

البته جواب روزنامه و نظیفه که در همین شماره است بخورشید ایران هم شامل است چون هر دو از یک منبع آب خورده. و باینکه دستور قلم فرسائی میکنند.

فاما تبلیغات خائنه ما، اگر حق گوئی خیانت باشد در این صورت حق با مصلحت است چون ما از شما غیر از حق کشتی چیز دیگری را انتظار نداریم. اگر ما بارد بیان حقایق آقای سید ضیاء و طرفداری از آزادی و استقلال ملت ایران و حقیقت پرستی صرف، خائن باشیم؛ در این صورت خائن تر از آنیم که شما تصور میکنید. و اینکه نوشته اید این روزنامه در تبریز خریدار ندارد، آنرا عافلان دانند و حتنا هم جواب شمارا خواهند داد.

فاما این قسمت اش که چرا روزنامه ما بزبان مادری آذربایجانی نشر میشود، اعتراض کرده اید؛ ما صلاح می دهیم که این صحبت را هیچ نیکو نکرید چون بحث در این موضوع بشر خودتان تمام شده و خفته هاهم بیدار میشوند؛ و شاید هفت میلیون ترکی زبان ایرانی که در تمام ایران بخش است در تقاضای تحصیل بزبان مادری با ما هم آهنگ باشند؛ و آنوقت

بقیه در صفحه ۳

آغ ایولی

ما از اول میدانستیم؛ آغ ایولی که بمعنی خانه سفید است وقتی به آذربایجان بیاید خانه اغلب مردم را سیاه خواهد کرد؛ چون دست پرورده همان کابینه سیاه آقا سید ضیاء الدین است که امروز معنی پتیشکل باشکال الم را ۰۰۰ پیدا کرده است.